چهره

آقای کیارستمی تولدتان مبارک

یک سال از تیر ماهی می‌گذرد که در نخستین روزش تولد ۷۶ سالگی عباس کیارستمی گرامی داشته شد و سیزده روز بعد از آن یعنی ۱۴ تیر ماه این کارگردان سرشناس سینمای ایران از دنیا رفت. اول تیرماه سالروز تولد عباس کیارستمی خالق «زیر درختان زیتون»، «طعم گیلاس»، «خانه دوست کجاست؟» است؛ فیلمسازی که پس از درگذشتش به دلیل حواشی پرونده پزشکی، کمتر به کارنامه‌فیلم‌سازی‌اش پرداخته‌شد.

این فیلمساز سرشناس که متولد ۱۳۱۹ تهران است، می‌گفت: «شاید انتظار کنونی من از سینما این باشد هنگامی که شب به خواب می‌روم، بدانم یک تصویر جدید ایجاد کرده‌ام؛ همچون ماهیگیری که همیشه با پرتاب تور خود، امیدوار به گرفتن ماهی است. بدون هیچ توقعی همچنان کار می‌کنم، ماهیت فیلم تولید تصویر است و امکان ندارد در ماه یک فیلم کوتاه، یک ویدیوی کوچک درست نکنم یا یک عکس نگیرم.»

به گزارش ایسنا؛ کیارستمی علاوه بر کارگردانی در سایر رشته‌های هنری همچون عکاسی، نقاشی، فیلمنامه‌نویسی، تدوین، طراحی گرافیک، شعر، موسیقی و... فعالیت می‌کند و یکی از عکس‌های کلکسیونش در حراج کریستی سال ۲۰۰۸ میلادی حدود ۱۳۰ هزار دلار فروخته‌شد.

فیلم «طعم گیلاس» که برنده نخل طلایی جشنواره کن سال ۱۹۹۷ میلادی شد و همچنین «خانه دوست کجاست» که موفق به دریافت پلنگ برنز جشنواره لوکارنو شده است، «باد ما را خواهد برد» برنده جایزه هیأت ویژه داوران جشنواره ونیز در سال ۱۹۹۹ و... ازجمله فیلم‌های موفق این کارگردان در جشنواره‌های بین‌المللی است. کیارستمی داور جشنواره‌های بسیاری ازجمله کن، جشنواره فیلم ونیز، لوکارنو، سن‌سباستین، فیلم‌سائوپائولو، کاپالبیو، کوستندورف صربستان و... بوده‌است.

اتفاق

بازیگر لینکلن بازنشسته شد

شهروند| دنیل دی لوییس شصت‌ساله که تنها بازیگر تاریخ سینماست که سه جایزه اسکار در کارنامه دارد با دنیای بازیگری خداحافظی کرد.

وراتیی در این‌باره نوشت بازیگر فیلم‌های خون به پا خواهد شد و لینکلن که به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین و گزیده‌کارترین بازیگران نسل خودش شناخته می‌شود، در اقدامی غافلگیرکننده خودش را بازنشسته اعلام کرد. در کارنامه این بازیگر از بازی در نقش رئیس‌جمهوری و نویسنده گرفته تا سردسته تبهکاران به چشم می‌خورد، هیچ دلیل مشخص و واضحی برای تصمیم عجیب و ناگهانی خود عنوان نکرد.

سخنگوی دی لوییس هم در بیانیه‌ای که در اختیار رسانه‌ها قرار داد، اشاره‌ای به دلیل تصمیم دی لوییس نکرد: دنیل دی لوییس از این پس به‌عنوان بازیگر کار نخواهد کرد. او بی‌نهایت قدردان همه همکارانش و مخاطبانش در طول این سال‌هاست. این یک تصمیم شخصی است و توضیح بیشتری در این زمینه نه از سوی دی لوییس و نه هیچ‌یک از نمایندگانش ارایه نخواهد شد.

دی لوییس آخرین‌بار با درام تاریخی لینکلن استیون اسپیلبرگ موفق به دریافت جایزه اسکار شد. دی لوییس پیشتر برای بازی در فیلم‌های خون به پا خواهد شد و پای چپ من نیز اسکار گرفته بود. او برای دار و دسته نیویورکی و به نام پدر نیز کاندیدای دریافت این جایزه بود.

روایت حسین علیزاده از موسیقی فیلم و ارتباطی که میان دو هنر وجود دارد

سر دلشدگان ۳ بار با علی حاتمی قهر کردم

سامان آسمانی- شهروند| نخستین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی انجمن بازیگران ایران در سال ۹۶ میهمان ویژه‌ای داشت؛ میهمانی شناخته شده که بنا بود از آهنگسازی فیلم بگوید.

حسین علیزاده وقتی لب به سخن گشود تازه خیلی‌ها فهمیدند سینما در زندگی او چه تأثیر عجیبی داشته است. از دیدن فیلم اسپارتاکوس و حس اسپارتاکوس بودن تا الهام‌هایی که بازی بازیگران و خواندن فیلمنامه به او می‌داده تا موسیقی فیلم را آن‌طور که حالا درباره آثار علیزاده می‌دانیم بسازد.

این آهنگساز که اخیرا موفق به دریافت جایزه جهانی موسیقی آسیا شده، می‌گوید هیچ از جایزه و تشویق بدش نمی‌آید، با این وجود معتقد است: در موسیقی ایران ظلم زیاد است. برای من افتخار است که در شرایطی موسیقی کار می‌کنیم که در عرصه جهانی اتفاقات مثبتی رخ می‌دهد. من بعد از یکی، دو ماه خبردار شدم که برنده این جایزه شده‌ام و گفتم آنها نمی‌دانند هر کدام از این نت‌ها که شنیده‌اند چقدر معطل مجوز مانده تا مردم خودمان آن را بشنوند. هر وقت از من می‌پرسند چه انتظاری از مسئولان دارید، می‌گویم هیچ انتظاری ندارم؛ مسئولان وقتی متوجه نیستند من چه کاری انجام می‌دهم نه از آنها متشکرم نه از آنها انتظاری دارم.

علیزاده ولع دیدن فیلم را خیلی وسوسه‌انگیز می‌داند و سینما همچنان برایش جذاب است. او به چگونگی ساخته شدن نینوا هم اشاره کرد و گفت: نینوا خاطره کودکی من است. در بچگی یک دوچرخه می‌خواستم که به‌دست نیاوردم. این در دل ماند و نینوا شد. آرزوهایم را با خودم کشاندم و هر کاری که می‌کنم با انگیزه آن آرزو تبدیل به چیز دیگری می‌شود.

حسین علیزاده با بیان این که قبل از این که بخواهم موسیقی بخوانم، سینما در زندگی من جریان داشت، گفت: من فیلم‌های خوب غیر ایرانی هم می‌دیدم. زمانی که فیلم اسپارتاکوس را دیدم در خیابان راه می‌رفتم و احساس می‌کردم خودش هستم و چقدر فداکارم.

او در ادامه به شروع کار در حوزه موسیقی فیلم هم رسید و از دلشدگان علی حاتمی گفت: دلشدگان دومین یا سومین اثری بود که من در زمینه آهنگسازی فیلم خلق کردم. سر ساخت موسیقی دلشدگان دو، سه‌بار با علی حاتمی قهر کردیم. او یک‌بار دو صحنه را پشت سر هم مونتاژ کرده بود که موسیقی‌شان با هم هیچ سنخیت نداشت. به او گفتم علی این کار را نکن و او پاسخ داد هیچ صحنه دیگری را فیلمبرداری نکردیم و این دو باید پشت سر هم قرار بگیرند. من نیز دیدم اصلا به حرفم گوش نمی‌دهد بنابراین گفتم با تو اصلا نمی‌توانم کار کنم.

این آهنگساز و موسیقیدان ادامه داد: همان شب علی حاتمی و همسرش با یک دسته گل به خانه من آمدند. من به او گفتم علی من نسبت به فیلم تو بیشتر از خودت تعصب دارم و او پاسخ داد حسین تو می‌توانی و رفت. بعد از رفتن او، من ماندم و جمله تو می‌توانی و با خودم دعوا می‌کردم. این جمله باعث شد که یک چیزی در ذهنم جوانه بزند. این دو صحنه یک پل می‌خواست که موسیقی‌شان به یکدیگر وصل شود. فردایش برای صداگذاری رفتم و به علی حاتمی گفتم این را روی صحنه بگذار. قبل از این که بگویید این موسیقی خوب است یا بد، به من گفت می‌دانستم تو می‌توانی.

آیا خریداری فیلم‌های توقیفی تنها راه کاستن از آسیب‌های توقیف است؟

خرید به شرط توقیف!

امین فرج‌پور - شهروند| بحث فیلم‌های توقیفی از همان روزی که محمدمهدی حیدریان وعده داد، به زودی تکلیف شمار زیادی از آنها روشن خواهد شد. بیشتر اخبار و تحلیل‌ها و گمانه‌زنی‌های حوزه سینما را به خود اختصاص داده؛ روز به روز دارد بیشتر و بیشتر به نقطه اوج و حساس نزدیک می‌شود. به‌خصوص این که بعد از تأکیدهای فراوان رئیس سازمان سینمایی، روز گذشته سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز برای دومین‌بار در یکی-دو هفته‌اخیر خروج فیلم‌های توقیفی از بلاتکلیفی را مورد تأکید قرار داد و ضمن اعلام این که درحال حاضر حوزه کتاب هیچ‌گونه مسأله و مناقشه‌ای ندارد، ابراز امیدواری کرد که این فضای آرام را در سینما نیز شاهد باشیم؛ که به گفته وزیر فقط و فقط با تعیین تکلیف بلاتکلیف‌ها مقدور است: آنچه ما تصمیم گرفتیم این است که فیلم‌های توقیفی بار بازبینی شود و توسط شورای تخصصی مربوطه اصلاحات لازمه بر آنها اعمال شود. چنانچه اصلاحات اعمال شود، مجددا در شورا تأیید می‌شوند و امکان اکران پیدا می‌کنند و از بلاتکلیفی درمی‌آیند. به‌طور کلی هدف ما در این مسأله خروج فیلم‌های توقیفی از بلاتکلیفی است تا یک‌بار برای همیشه تعیین تکلیف شود که فیلم‌های قابل اصلاح، اصلاح شوند و آنهایی که به هرصورت اصلاح نمی‌شوند، وضع مشخصی پیدا کنند.

تأکیدات وزیر ارشاد و رئیس سازمان سینمایی در روزهای اخیر نشان می‌دهد بعد از رفع توقیف فیلم مادر قلب اتمی که بعد از حضور در فستیوال برلین دوسال پیش به محاق رفته بود و نیز دریافت پروانه نمایش فیلم زادبوم ابوالحسن داودی که ۶-۵سال رنگ پرده را ندیده بود، طی روزهای آتی شمار بیشتری از فیلم‌های بلاتکلیف سرنوشت‌شان روشن خواهد شد. به‌خصوص فیلم‌هایی چون خانه پدری و البته خانه دختر که نزدیک‌تر از دیگر فیلم‌ها به رفع توقیف به نظر می‌رسند. خانه پدری که حتی چندبار هم شایعه رفع ممنوعیتش در رسانه‌ها پیچید، تنها سکانس آغازین حساسیت زایش را به‌عنوان مهمترین مشکل برای نمایش عمومی می‌بیند؛ و خانه دختر هم که از همان زمان نخستین نمایش‌اش در جشنواره نیز روشن بود که با اصلاحاتی جزیی قابلیت نمایش عمومی دارد. در این میان، البته پرسش‌هایی هم وجود دارد. این که فیلم‌هایی که به هر دلیل نتوانند از آزمون شورای تعیین تکلیف فیلم‌های بلاتکلیف نمره قبولی بگیرند، چه سرنوشتی در انتظارشان است، نکته مهمی است که راه به واژه‌هایی چون عدالت و امنیت اقتصادی باز می‌کند. بگذارید صریح‌تر صحبت کنیم. فارغ از فیلم‌هایی که به‌مجوزهای صادرشده بی‌توجه بوده‌اند (نگارنده خود فیلمی دارد که چند سال پیش بدون پروانه ساخته شد و به‌رغم جوایزی که از فستیوال‌های خارجی به دست آورد، نتوانست پروانه نمایش از ارشاد بگیرد)، تعداد زیادی از فیلم‌هایی که درحال حاضر با مشکل مواجهند، آثاری هستند که تمام روندهای قانونی تولید و نمایش را طی کرده‌اند، پروانه ساخت دارند، در مرحله فیلمبرداری با وفاداری کامل به سناریوی ارایه‌شده جلوی دوربین رفته‌اند و...؛ اما به دلیل حساسیت‌هایی که اغلب از سوی یک‌سری نهادها با کارکردهای موازی ارشاد ایجاد شده است، نتوانسته‌اند روی پرده بیایند. این پرسش که تکلیف این فیلم‌ها چه خواهد شد، موضوعی است که قطعا ارشاد هم نمی‌تواند به این نکته بی‌تفاوت بماند. شاید از این زاویه باشد که خبری که روز گذشته شنیده شد و حاکی از ابراز مالکیت درصد معینی از فیلم رستاخیز از سوی بنیاد سینمایی فارابی بود، اهمیت پیدا می‌کند. شاید بتوان گفت؛ از میان خیل فیلم‌های بلاتکلیف که محمدمهدی حیدریان وعده تعیین تکلیف آنها را داده بود، رستاخیز ساخته جنجالی و پرسروصدای احمدرضا درویش، سرشناس‌ترین و البته محق‌ترین فیلم برای حل مشکلات است. این فیلم که از همان زمان نخستین نمایش چوب انفعال حاکم بر مدیران دولتی را در عرصه موازی‌کاری نهادهای ذیدخل دیگر خورد، روز گذشته یک‌بار دیگر به واسطه بیانیه فارابی دوباره به تیتر اخبار خبرگزاری‌ها بدل شد. رستاخیز که با رعایت تمام قوانین و قواعد ارشاد، با مجوز معتبر ساخت و باوفاداری کامل به بندبند سناریوی پروانه گرفته، جلوی دوربین رفته؛ بعد از گرفتن پروانه نمایش در نخستین روز اکران به دلیل اعتراض نهادهایی خاص به نمایش تصویر حضرت ابوالفضل(ع) و بنا به صلاحدید سازمان سینمایی که نشانگر انفعال کامل این نهاد بود، از پرده پایین کشیده شد؛ و تن به غائله‌ای داد که تا همین امروز طول کشیده است. در تمام روزها و هفته‌های اخیر، از همان روز که حیدریان وعده حل مشکلات فیلم‌های بلاتکلیف را داده بود، نگاه‌ها به رستاخیز احمدرضا درویش بود که به نظر می‌رسید جزو نخستین فیلم‌هایی باشد که خبر حل مشکلاتش در رسانه‌ها درج خواهد شد، اما چنین نشد و روز گذشته بنیاد سینمایی فارابی در نخستین گام بعد از ابقای تابش و اضافه‌شدن ایل بیگی بیانیه‌ای صادر کرد که در آن عنوان شده بود که ۴۵ درصد مالکیت و کلیه حقوق فیلم سینمایی رستاخیز به بنیاد سینمایی فارابی تعلق دارد. در بخش‌هایی از اطلاعیه بنیاد سینمایی فارابی آمده بود: با توجه به شرایطی که برای اکران این فیلم به وجود آمد، سرانجام در ماه‌های پایانی سال گذشته، بنا به تصمیم وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی هیأتی کارشناسی متشکل از دست‌اندرکاران و کارشناسان سینمایی، فرهنگی و اقتصادی تشکیل شد که این هیأت پس از بررسی همه‌جانبه موضوع، راهکارها و اقداماتی را توصیه کرد. در اجرای یکی از این اقدامات، مقرر شد بنیاد سینمایی فارابی قرارداد مشارکت منعقده در سال ۱۳۸۵ را در ازای ۴۵ درصد مشارکت (مالکیت و کلیه حقوق فیلم) در دستور کار خویش قرار دهد. اعتبارات مربوط به این تصمیم از منابع جدا از بودجه سازمان سینمایی تأمین و به بنیاد سینمایی فارابی تخصیص یافته‌است.

بیانیه فارابی در نگاهی دقیق‌تر دو آینده کاملا متفاوت را پیش‌روی فیلم ارزشمند رستاخیز قرار می‌دهد. این فیلم که به گواهی آنها در نمایش این فیلم در جشنواره فجر حاضر بودند، یکی از به بارنشسته‌ترین تلاش‌های سینمای ایران در روایت داستان‌های تاریخی-مذهبی است. طبق بیانیه فارابی مورد حمایت کامل این نهاد خواهد بود که اتفاق خوبی است، اما نکته‌ای که در این میان وجود دارد، این نگاه بدبینانه شایع در میان طیفی از کارشناسان است که حمایت مالی فارابی از رستاخیز در ضمن می‌تواند به معنای به محاق رفتن کامل این فیلم نیز باشد. یعنی دولت که در تمام مراحل درگیری‌های این فیلم، پیداست که حق را به درویش و گروهش می‌دهد، در ادامه تلاش‌هایش برای کاستن از بار منفی توقیف فیلم‌ها، در رویکردی انفعالی در مورد این فیلم کوشیده تا حداقل ضرر و زیان مادی سازندگان این فیلم را در حد توان جبران کند. جبران مالی آسیب‌های تهیه‌کنندگانی که با رعایت تمام قوانین و آیین‌نامه‌ها به ساخت اثر مبادرت ورزیده‌اند، نخستین گام در دلجویی از آنها و کاستن از آسیب‌هایشان می‌تواند باشد؛ البته به شرطی که اکران فیلم با این بهانه که ضررهای وارده جبران شده، از دستور کار خارج نشود؛ که در آن صورت معلوم نیست تکلیف آسیب‌های معنوی که در پی توقیف فیلم‌ها به سازندگان وارد شده است، چه خواهد بود. مثلا در مورد همین رستاخیز، در حالی که عملکرد اخیر فارابی نشان از آن است که رستاخیز قرار است در صندوقچه باقی بماند و هیچ‌گاه رنگ پرده نبیند، اما این سوال که آیا بهتر نیست بنیاد سینمایی فارابی در این جهت گام بردارد که سازندگان را برای نمایش فیلم در ایران راضی کند و شرایط را برای اکران فیلمی که ۱۰ سال برای آن زحمت کشیده شده است، فراهم آورد تا این که بودجه هنگفتی را به فیلم تخصیص دهد؟ آیا فیلمی که تمام مراحل لازم را طی کرده، استحقاق این را ندارد که با پافشاری مدیریت رسمی فرهنگی کشور روی پرده آید و معدود اعتراضات نهادهای بی‌ارتباط با روند تولید آثار هنری موجودیت فیلمی چنین فاخر را مورد خدشه قرار ندهد؟ و پرسش دیگر این که آیا این روند را در مورد تمام فیلم‌هایی که به‌رغم طی کردن روند قانونی دچار مشکل شده‌اند، خواهیم دید یا این که این مورد فقط و فقط به فیلم‌های توی چشم و پرسروصدای افراد مرتبط با مدیریت دولتی اعمال خواهد شد؟ پاسخ این پرسش خیلی چیزها را درباره قضاوتی که آیندگان از مدیران فعلی خواهند داشت، روشن خواهد کرد.

دفاع از امضای شورای ساخت و شورای نمایش

سیدجمال‌ساداتیان- تهیه‌کننده| تا آن‌جا که من می‌دانم تمام عواملی که دست اندرکار ساخت یک فیلم هستند توقع دارند اثرشان توسط مردم دیده شود و توسط مردم مورد نقد و بررسی قرار بگیرد. یک اثر تا زمانی که توسط مردم دیده نشود نقاط ضعف و قوت خودش را نشان نمی‌دهد. بنابراین مطرح شدن این شائبه که عده‌ای ممکن است به سراغ ساخت فیلم‌های توقیفی بروند به این نیت که دولت بعدا آنها را خریداری کند بعید به نظر می‌رسد. چرا که بعد چندسال دوندگی و تحمل فشارهای روحی روانی تازه با تصمیم صورت گرفته می‌توانند به اصل پولی که هزینه کرده‌اند برسند.

عموما افراد فیلم می‌سازند تا فیلم‌هایشان روی پرده دیده شود. شاید اگر فیلمی دچار بلیه توقیف شود از باب این که تهیه‌کننده کار کمتر متضرر شود پیشنهاد خریداری فیلم از سوی فارابی پیشنهاد بدی نباشد.

وزارت ارشاد و بنیاد فارابی از این باب این پیشنهاد را طرح کرده‌اند و درحال به سرانجام رساندنش هستند که بسیاری از فیلم‌های مذکور مسیر اداری خود را طی کرده‌اند. این فیلم‌ها پروانه ساخت و پروانه نمایش هم گرفته‌اند اما به دلایلی ارشاد قدرت این که این فیلم‌ها را اکران کند ندارد، برای جلوگیری از ضرر تهیه‌کننده در حال به فرجام رساندن این امر هستند. با وجود آن که معتقدم اتخاذ این تصمیم تدبیر بدی به حساب نمی‌آید معتقدم‌ای کاش ارشاد و فارابی می‌توانستند کاری کنند که فیلم‌هایی که سیکل اداری خود را طی کرده‌اند به روی پرده بروند و از این رهگذر هم به گیشه کمک کنند هم تولیدات مذکور مورد نقد و بررسی سلیقه‌های مختلف فکری قرار بگیرند. چه بهتر ارشاد از توانایی‌هایی که دارد استفاده و از امضایی که اعضای شورا پای پروانه نمایش و پروانه ساخت زده‌اند دفاع کند. بهترین راه فراهم کردن شرایط اکران است. رسیدن به این نقطه هم برای تولیدکنندگان و هم برای مردم دوست‌داران سینما مطلوب‌ترین اتفاق به حساب می‌آید.

یک پیام بسیار مهم

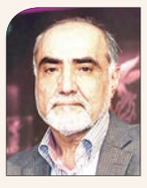

منوچهر محمدی - تهیه‌کننده| وقتی می‌بینیم که مثلا در حوزه کشاورزی دولت برای این که امنیت سرمایه‌گذاری در این حوزه را تأمین کرده و جلوی وابستگی به بیگانگان را در این حوزه که یکی از استراتژیک‌ترین حوزه‌هاست، بگیرد، تصمیم به خرید تضمینی محصولات کشاورزی می‌گیرد؛ فکر می‌کنم در حوزه فرهنگ نیز بایستی به راهکارهای مشابهی در این زمینه فکر کنیم؛ تا همان‌گونه که با خرید تضمینی محصولات کشاورزی انگیزه لازم برای ادامه فعالیت کشاورزان ایجاد می‌شود، اهل فرهنگ نیز از چنین مشوق‌هایی بهره‌مند شوند. اگر بخواهم در این زمینه توضیح بیشتری بدهم، باید اشاره کنم به این که فیلم‌هایی که به صورت زیرزمینی و بدون طی کردن روند قانونی جلوی دوربین می‌روند، در این میان موضوع بحث‌مانیستند.

آنها مسائل و مصایب خودشان را دارند؛ که به جای خود باید مشکلات آنها نیز تحلیل و در صورت امکان رفع شود، اما در مورد فیلم‌هایی که به صورت رسمی و قانونی، با طی کردن مسیرها و روندهای قانونی لازم و با اخذ مجوزهای ساخت و... ساخته می‌شوند؛ این فیلم‌ها اگر برای نمایش عمومی به هر دلیل با مشکل مواجه شوند، دولت باید در این زمینه پاسخگو باشد؛ و یکی از بهترین روش‌های پاسخگویی در چنین مواردی پرداخت خسارت به صاحبان و سازندگان فیلم‌هایی است که به هر دلیلی نتوانسته‌اند از فرصت‌ها و امکاناتی که طی کردن روند قانونی باید برای فیلم‌ها به ارمغان آورد، بهره‌مند شوند. شمار فیلم‌هایی که در هرسال به‌رغم پایبندی سازندگانشان به روندهای قانونی، در زمان نمایش عمومی دچار مشکل می‌شوند، چندان زیاد نیست. پرداخت خسارت و حداقل جبران خسارت‌های وارد آمده به این تعداد کم‌شمار هم در مقیاس بودجه کشور رقم چندان بزرگی نمی‌شود؛ اما درعین حال این اقدام می‌تواند حاکی از این پیام امیدوارکننده به اهل فرهنگ باشد که دولت با تمام توانش حامی فعالیت‌های قانونمند فرهنگی است؛ و حتی اگر نتواند در قبال پروانه‌هایی که صادر کرده است، نمایش فیلم را تضمین کند؛ اما درعین حال اراده جبران خسارت وارد شده به اهالی فرهنگ را دارد؛ و این پیام بسیار مهمی است.

حاشیه

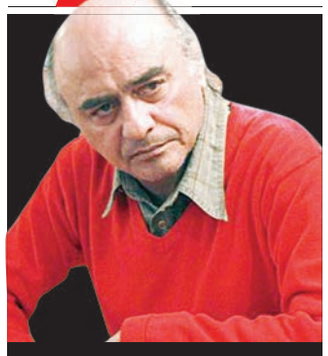

بن‌بست یک جشنواره از نگاه درویشی

جشنواره موسیقی اقوام و نواحی بعد از تعطیلی و شروع‌هایی که داشته، سرانجام به دهمین دوره خود رسیده است. جشنواره‌ای که محمدرضا درویشی، یکی از پیشکسوتان پژوهش و دبیر چند دوره موسیقی اقوام و نواحی، درباره آن معتقد است که با ساختار قدیم، به بن‌بست رسیده‌است.

محمدرضا درویشی آهنگساز، پژوهشگر موسیقی و مؤلف دائره‌المعارف سازهای ایران که تجربه دبیری چند دوره جشنواره موسیقی اقوام و نواحی را دارد، معتقد است؛ جشنواره موسیقی نواحی با ساختاری که سال‌ها پیش برگزار می‌شده، به بن‌بست رسیده‌است. او گفته: «من آخرین‌بار طرح مفصل جدیدی را پیشنهاد دادم و یک دوره پنج‌ساله را تعریف کردم که ببینیم ارتباط موسیقی نواحی ایران با کشورهای اطراف آن چگونه‌است، اما این طرح پذیرفته نشد».

او در ادامه درباره این طرح به ایسنا توضیح داد: برای مثال، پیشنهاد دادم بخش جنوبی ایران با کشورهای جنوبی تا شمال آفریقا در یک‌سال، بخش شرقی با کشورهای شرقی، بخش شمال ایران با کشورهای شمالی و همین‌طور بخش غربی ایران با کشورهای همان بخش، هر کدام جشنواره‌ای جدا را به مدت ۵ دوره برگزار کنند.

درویشی می‌گوید؛ این طرح هزینه زیادی ندارد، به جای آن‌که ۳۰۰ هنرمند را در کرمان جمع کنیم، می‌توانستیم یک‌چهارم این تعداد را از کشورهای مجاور و استادانی را که تا چند سال پیش زنده بودند، در ایران جمع کنیم، اما مسئولان مربوط نپذیرفتند. به همین دلیل، معتقدم که جشنواره موسیقی نواحی با ساختار قدیم خود به بن‌بست رسیده است و آقایان هم زور اضافه می‌زنند که به نتیجه نخواهد رسید. استادان اصلی که تصمیم داشتیم در آن سال‌ها از آنها دعوت کنیم، در حال حاضر همه زیر خاک هستند.

روی خط خبر

نخستین اجرای نمایش «خواب طولانی انارآباد» با حضور ۲۰ نفر از کودکان کار و خیابان در سالن انتظامی خانه هنرمندان ایران روی صحنه رفت.

چاپ تازه‌ای از ترجمه آلمانی رمان «کلیدر» محمود دولت‌آبادی با ترجمه زیگرید لطفی در ۴۰۰ صفحه منتشر شد.

ارکستر سمفونیک ایران و اتریش به رهبری مازیار یونسی ۱۲ و ۱۴ تیر در تالار وحدت کنسرتی را با عنوان کنسرت بزرگداشت پرویز تناولین برگزار خواهد کرد. در این کنسرت قطعاتی از ساخته‌های پیمان یزدانیان، کریستف رضاعی و مازیار یونسی در پاسداشت مقام هنری پرویز تناولی به اجرا درمی‌آید.

خانه هنرمندان ایران به مناسبت ماه مبارک رمضان و در آستانه فرارسیدن عید سعید فطر از ۳۱ خرداد تا ۶ تیر برنامه‌ای با عنوان «جشن شکرانه» برگزار می‌کند.

آیین دیدار گروه سینمایی هنروتجربه برای فیلم «پرسه در حوالی من» ساخته غزاله سلطانی سه‌شنبه‌شب گذشته برگزار شد.

پنجمین دوره جشنواره فیلم‌های ایرانی ۱۴ تا ۲۰ ژوئن برابر با ۲۴ تا ۳۰ خرداد در پاریس برگزار شد و در روز پایانی آن فیلم سینمایی والدراما به کارگردانی عباس امینی به نمایش درآمد.

دهمین نشست تخصصی آموزشی «آیین آواز» سه‌شنبه، ۳۰ خردادماه با موضوع «ریتم در آواز ایرانی» در فرهنگسرای ارسباران برگزار شد.